

تحولات شعر معاصر فارسی

پروفسور سید حسن امین

اجرای آمد

نوشتن این مقاله برای صاحب این قلم بیش از هر چیز فرصتی شایسته برای گزارش تحولات شعر ایران معاصر در زبان فارسی است. اگر این نوشته قابل هیچ سود دیگری نباشد، دست کم این منقشر خواهد داشت که خوانندگان را با دو مدل های یکی از علاقه مندان به شعر و ادب آشنا کند.

۲- تحول سرشت و جایگاه شعر من از مشروطیت

تحول سرشت و جایگاه شعر من از مشروطیت از چند جهت بوده:

۱- تبدیل شغل به رسالت

پیش از مشروطیت شاعری یک شغل و منبع درآمد بود. شاعر مانند یک منشی و مستوفی در دستگاه پادشاهی و امیر و سلطان بود و مطابق میل ارباب سخن می گفت و از صلح و جایز مومستمری او بهره مند می شد. در چنین اوضاعی شاعر من برای همیشه چون عنصری من توانست از نبرد بگریزد، بلکه حتی شاعرانی همچون مهتر از حبیب قالی (وفات ۱۲۷۰ ق/ ۱۸۵۲-۱۸۵۳ م) که میرزا عباس فروغی به سلطانی (وفات ۱۲۷۲ ق/ ۱۸۵۷-۱۸۵۸ م) در عهد قاجار می توانستند شاعران معاصرین شاعر یکی از بزرگان وابسته کنند و از اسیرین شعر و اتساب متخلص شوند به نام بزرگان تأمین معیشت و ارتزاق کنند. برای نمونه الف قالی میبایغ کلانی بر سهیل مستمری از بچه شاه قاجار می گرفت، که بعدها امیر کبیر آن را موقوف کرد، چنان که نوشته اند: «قالی... از زمان خاقان مغفور... تا واسط سلطنت ناصر الدین شاه... به نوشته در مرکز خلافت شعر و شعرای عصر سخن بود در تمام اعیان و جشن ها و سلام ها و ولادت سلطان زاده ها و اعطاء مناصب و امانت فلك، قضایای بزرگان و حکام های بزرگ و تکرار و تشبیه ها انشائی نمود و در سلام ها و جشن ها که ابوی می از خاص و عام فراهم می آمد، قرائت می فرمودند و محاسن و آفرین و انعامات متکثر و خلع فاخر مفتخر و مقلع می شد.»

به با آن که محمد کاظم صروری (پدر محمد تقی بهار) ملک الشعرای آستان قدس رضوی بود و از آن عصر مبالغه قابلی مستمری دریافت می کرد، نوشته اند که وی عرض می نمود که شاه نداشت و تقاضا کرد که شاه او را به لقب «عرب الیم» مقلب کند (داشتن القاب همیشه هم را با مستمری سالها از بود و جعفر سمس مملکت بود) ولی شاه که عرض می نمود که فرموده بود که در عیال الیم، لفظ خام غیر مأیوس و خوار از استعمال است، او را با پدر آستان قدس رضوی به لقب ملک الشعرای داد. لهذا در باره او فرمان ملک الشعرای صادر شد.»

به بیغمای جلدی (وفات ۱۲۷۶ ق/ ۱۸۵۹-۱۸۶۰ م) هم که اشعار هجو و هزل و نقادی او بر منابع وی غالب است، از راه شاعری مستمری داشت. چنان که در فرمان مستمری او می خوانیم:

«چون حسب فرمان قضایان قدرت شان سر کار اقدس شهر یاری... مقرر است که هر یک از ارباب استعداد و اصحاب فن که کمال علی قدر مراد هم از خوان احسان دولت جلوی نشان موظف و مشرف باشند، لذا نظر به امر آتیه قابلیت و استعداد شاعری عالی و به صاحب بلاغت و بلاغ میرزا ابوالحسن جنتقی متخلص به یغمان در معامله هذه السنه می نویل شخصه دلیل و معادها مبلغ و بجا»

تومان رایج دیوان از بابت مالیات جنگی در وجه او مستقر و بر اثر آن خود را در کف دست ساله بان با دست صرف مخارج خود نموده به مراتب دعا گوئی و ثنا گستری قیام و اقدام نمایند.^۲

تحتی در عصر رضاشاه بهای هم این مستقری هایت فرار بود، چنان که در خوم محبوبیتش در شرح حالی که درباره وحید دستگردی تهیه کرد در ۱۳۲۹ در ادب ایران خواند و بعدها به چاپ رسید می گوید:

«از بدو طلوع رضاشاه، مر خوم وحید همه ساله تقصیرده ای می ساخت به پیشگاه شاهنشاه تقدیم می داشت و مقرری سالانه به او مرحمت می شد. این قصاید همه در مجله ای بر مغان چاپ شده است.»^۳

آری در گذشته شاعر می توانست خود را وابسته یکی از دستگاه های سیاسی و حکومتی باند می کند و از آن راه در مقام ملك الشعراء در پای، یا آستان قدس رضوی، یا آستان حضرت معصومه مستقری و حقوق هر شب دریافت کند. اما از انقلاب مشروطیت به بعد، با مطرح شدن مفاهیم جدیدی مانند علاقی ملی و امید به آزادی، و قانون مداری و تجلیست مسالاری، بیشتر شاعران به جرگه آزادی خواهان پیوستند و تعهدت مسئولیت اجتماعی و سیاسی بر استفاده های مالی از راه شعر برتری یافت و جز معدودی که تان به نرخ روز خورد و سبقت پیش از مشروطیت داده اند، اکثر قریب به اتفاق شاعران یکصد ساله اخیر آن از قبیل خویش خورد و خود را به از باب زور و زور فروخته اند.

۲-۲- تبدیل من شخصی به من اجتماعی

پس از مشروطیت در نتیجه نفوذ فرهنگ نو در ذهن و زبان شاعران، عناصر تخیل و آرمان های شاعر تغییر کرد و مخاطب شاعر هم که پیش از مشروطیت شخص حاکم و سلطان بود، پس از مشروطیت به جامعه و ملت گسترش یافت. نتیجه مستقیم این تغییر آن بود که عواطف شاعر به جای «من» شخصی و فردی، به «من» اجتماعی و ملی تبدیل شود.

۲-۳- تبدیل مخاطب خاص به مخاطب عام

تاریخ ادبیات ایران از آغاز تاهضت مشروطیت، بیشتر تاریخ خواص و تخیگان جامعه بود، چون بیشتر مردم، بر خواندن و نوشتن توانایی نداشتند و ادب گفتاری و شنیداری پیش از نوشتاری و آثار منظوم پیش از آثار منظوم در میان علمای شعر دم شایع بود. مشروطیت گر چه انقلابی تمام عیار نبود، ولی در تحول اجتماعی و فرهنگی ایران نقطه عطفی بود که اثر آن نهاد های جدید فرهنگی از جمله مدارس جدید، مطبوعات و احزاب تأسیس شد و شاعران و سخنوران، دو شاخه اش با طاقان، سخنرانان و نویسندگان ادب فارسی را با شور انقلابی و پیام های سیاسی به میان مردم زد و هرگز پیش از شاعران مقلد عارف قزوینی، سید اشرف الدین گیلانی و ابوالقاسم لاهی، سر و دین اشعار موزون و مقفلاً اما عامه پسند را وسیله ای برای تبلیغ اندیشه های آزادی طلبی و مشروطیت خواهی قرار دادند. بدین گونه هر چند شماری اندک مانند سید احمد ادهب پیشاوری و شعر راهم چنان به سبک قدما، برای طبقه نجیبان می گفتند، بیشتر شاعران مخاطبان خود را عام مردم و نه یک گروه خاص اجتماعی می دانستند.

۲-۴- تأثیر ویژگی های بومی و اقلیمی

شاعران گذشته با چشمان خود نشان به طبیعت و محیط نگاه نمی کردند، بلکه به تقلید پیشینیان و از چشم دیگران محبوب خیالی خود را «ماه» و ز نخلان لور را «چاه» (یعنی با عینک تشبیهات سنتی) می دیدند؛ در حالی که شاعران عصر ما، به طبیعت و محیط خود، نگاه واقعی دارند و خود آن را «کشف» می کنند. به همین دلیل منظر و دیدگاه شاعران معاصر بر خاسته از منطقه شمال و جنگل چون نیما یا شاعران جنوب خیلی فرق دارد. طبیعت مازنران بر نیما تأثیری دارد که خیلی با هر خورد شاعران سنتی با طبیعت مثلاً بهار به های با بر قیه های قدما متفاوت است.

۳- شاعران بزرگ پس از مشروطه

بلافاصله پس از مشروطیت، چهار شاعر را می توان برجسته تر از دیگران دانست: ملك الشعراء محمد تقی بهار خراسانی، ادیب الممالک امیری فراهانی، ایرج میرزا جلال الممالک و محمد هاشم میرزا افسر. از این میان دیوان بهار و ادیب الممالک، بر محتوا ترین منبع منظوم است. ارزش اشعار اختصاصی این دو سراینده نامدار در این است که لحن و سبک آنان نماینده برتر ادبیات پس از مشروطیت، بیخته، فحیم و سنگین است. در حالی که شعر بیشتر شاعران مردمی عصر مشروطه مانند سروده های سید اشرف الدین گیلانی، عارف قزوینی، میرزاده عشقی و فرخی یزدی از جهت بار ادبی سبک و تنگ است. هم از سوی دیگر، هویت علمی و ادبی بزرگانی همچون ادیب پیشاوری و ادیب نیشاوری و علی اکبر دهخدا از هویت شاعرانه شان بیشتر است.

همان‌طور که مختلف شاعران از مشروطه جزء میراث فرهنگی ماست و بر روی آنها دین ملی و تکلیف فرهنگی مان
شمارش این چهاردهی مانده کار ادب فارسی که اغلب هم به نظم و هم به نثر آثاری خواندنی و ماندنی از خود بر جای گذاشته‌اند
کاری است که باید بر روی دفتر یا گاه یا گاه این چهاردهی کار می‌است که به تألیف چندین مجلد کتاب زبان مند است و از عهد
یک مقاله بر می‌آید.

مختصر در شعر امروز

شاید مهم‌ترین موضوع در تحولات ادبی این سده، ظهور شعر نو در ادبیات فارسی است که فصلی نو در زبان ادبیات فارسی
گشود است. به عقیده ما در حقیقت نویند شعر فارسی، اکنون دو شاخه تیر و بند نظر دو زبان هر دو شاخه‌نویس بر روی شعر یکی
شاعران شعر نو است که بر گالی چون نیمان، شاملو، اخوان ثالث و شفیعی کدکنی و... راه ادبیات ایران زمین را مقبل کرده‌اند و
دیگری شاخه‌ای که سبک‌الشعری بهار و اکبر گلپزیرین شاعر فارسی زبان چند سده اخیر است بر روی نه، مادر شعر نو
شروط و طبعاً با فصاحت زیادی پس از بهار شاعران ایران زمینند دیگری نیز داریم که به اقتضای شعر کلاسیک گفته‌اند، قصیده‌سر این توانایی
همچون ادیب‌الممالک فرهادی، امیری فیروز کوهی، مهدی حمیدی شیرازی، مهر دادوستاو، غزل‌سرایان هم‌چنین در
معنوی، شهریار، سیمین بهبهانی، حسین منزوی، عماد خراسانی و محمد سلمانی. از این نکته نیز نباید گذشت که در شعر نو
و آمدگان غزل خوان اگر چه در قالب کلاسیک شعر می‌گویند، شعرشان شعر نو بلکه «نیمایی» است؛ به گفته محمد علی بهشتی
جس‌سهم شعر نو است اما روح هم‌نمای است.

در آینده‌ی تلقیق این چهاره تمشاشناسی است!

البته شعران خوب هم در گذشته‌ها هم هستند که نام ایشان را اگر می‌باید داشت، هم چون پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد،
فرخنده مشیری، نو سهراب سپهری، از جهت محتوا و روشی، میرزا رحیمی دولت آبادی، رشید یاسمی، ابوالقاسم لاهوتی و
دیگران نیز هر کدام گاهی در جهت تحول شعر برداشته‌اند. تا آن که نیمان نخست با افسانه و سپس در شعر این دو طبقه شعر
آوانیمایی و آوانیمایی پس از آن که دوره این گونه فصلی نو به ادبیات ایران افزود.

اگر از سر و کس‌های شعر نو چند سده اخیر در گل‌پر و دلوری در آن ایران به سوره تکاملی زمانه گذاریم، روزی شعر
کلاسیک باید به بلوغ جهان گذشت ادبی دیگر در سه دهه اخیر قائل شویم، چرا که شاعران این سده‌ها بر روی قالب غزل اثر از
آفرینان هم چون سیمین بهبهانی و حسین منزوی که از پیش از انقلاب کارشان اعتبار داشتند و بعد شاعران همانند محمد علی
بهشتی، محمد سلمانی و... که هر یک سبک خاص خود را در ادب و علم، نصر الامردانی، فرهادی، محمود شاعر خلی
تقدیر سوزلی، احمد شایقی و... که پس از انقلاب به‌یامردی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و مطبوعات انقلابی به
شهرت رسیدند شعر ایشان نیز هم از جهت سبک شناسی و هم از جهت شرط شعر با سیاست و جو سیاسی‌ها که بر جامعه قابل
بررسی است و به یقین محققان ادب را بعد از این گونه مسائل ولو در تاریخ ادبیات به معنای شخصی کمتر مطرح باشند، غافل نخواهند
بود.

مشکل بزرگ، عدم تمایل و تسامح ادبی معاصران است. سوگند منگنه، از یک سو به معنی از نو گریبان، ارزش و اعتبار آثار
شاعران معاصر را که به سنت قدیم و فرم نظم کلاسیک فارسی در لوزان و بهجور عروسی شعر می‌گویند، بکسر و انکار می‌کنند و به
این شاخه‌نویس را در حقیقت تویند نظم‌نویس با آگاهانه سنگ تقابل می‌زنند. اینان گویی معتقدند که هر عم ادعای کلان فرهنگی
در باب کثرت گرای دیگر کسی حق گفته‌اند در راه سعادت و محافظه فر دویس و مولوی و اندل‌دیان که حتی شعر فارسی پیش از
نیم سده‌ها سوزاند از سوی دیگر جمعی از سنت گریبان، شعر نو را بر راهی که از راه می‌داند و بر آن هیچ لوزی قائل نیستند،
در حالی که این هر دو دیدگاه، غیر علمی، غیر واقعی و غیر متصفانه است. نیمان، شاملو، فروغ، اخوان و سپهری چهاردهی اند که در
ساختار معاصر حقیقتی بیش از سبک‌الشعری بهار که از قده‌های بلند ادب فارسی است، مانده‌اند. در عین حال، در این هفتاد سال
کدام شعر نو می‌گنود، حتی به گفته محمد حقوقی که شعر کلاسیک را اکثر گذاشته است، شش هفت شعر نو قابل تفسیر
بیشتر بود و آن فارسی نوین شده است که نصف آنها هم از آن نیمایی است؛ افسانه، خالو ادیس، غراب، ققنوس و...

پس حقیقتش این است که گفت و گو بیشتر باید شناخت و آن حضور مستقل هر دو نوع شعر کلاسیک و نو در فضای فرهنگی ایران
امروز است؛ شعر کلاسیک می‌تواند کلی و عمومی و از مقوله بند و اندوز باشد، اما شاعر نو به‌طور عام در عین حال که از گسترش
عاطفی به‌سوار بر خود دل است، صورت خیال آن بر خاسته از احساس شخصی و تجر و جو دی شخص شاعر است، خوشبختانه

هر دو نوع شعر هم هواداران خاص خود را دارند؛ چنان که در آنها همه ساله شاهد چاپ صد ها دفتر شعر از معاصران بهر دو سبک کلاسیک و نو بوده و هستیم، بلکه بیاری سی زبانان درون مرزی و بیرون مرزی و حتی نسیل جوان ایران نیز اتفاق عقیده ای در دو قبول یک نوع شعر ندارند. شاهد مثال آن که در «جشنواره نثر آسری شعر و ادب دانشجو یان کشور» در مهر ماه ۱۳۸۱ بیسی از اشعار رسیده به دبیر خانه جشنواره شعر کلاسیک و نیمه نو شعر نو بود و توجه داوران شعر جشنواره (منوچهر آنتشی، محمدعلی شفایی، سیدحسن حسینی، شمس آقاچالی و بیوک ملکی) از میان ۲۲۲۶ شعر رسیده (۱۲۲۸ شعر کلاسیک و ۱۱۹۸ شعر نو)، ۵ شعر کلاسیک و ۵ شعر نو را به عنوان نمونه های برتر شعر جوانان دانشجو گزین کردند. خلاصه کلام، آن قول حق و صواب آن است که امروز هر یک از دو شاخه نثر یا شعر کلاسیک و نو جای گامو الای خود را در ادب دور دیگری به سود دیگری، انکار حقیقت است و فرار از واقعیت.

به عقیده من در میان شاعران معاصر هر کسی را که شعری می گوید در راه شعر و ادب قلمی برمی دلد، به قول معروفی شعر فندی (صاحب چهار مقاله) به «نثر بیعت آزادگی» تشبیه باید کرد.

۵- زنان شاعر

از عناصر مهم در تحول شعر معاصر، ظهور زنان شاعر است، مادر سر اسر تلخ ادبیات فارسی، از آغاز تا مشروطیت، تعداد بسیار اندکی زن شاعر داشته ایم؛ یعنی از عصر باستان تا پایان عصر رضاشاه، نامدارترین و بزرگترین زن شاعر ایران، پروین اعتصامی بوده است. اما امروز شمار زنان شاعر کمتر از مردان نیست و البته شاعران زن بسیار خوبی هم داریم که شاعران جوانی و مالدنی است.

۶- نشر دفترهای شعر

نشر دفترهای شعر معاصران به طور عام در سال های اخیر، اغلب به من و نشود و شاعران رو به افزایش داشته و این امر به چند دلیل قابل توجه است:

نخست آن که شاعری و سخنوری نیز همانند علم و مرفه متعزل به تنگنا است و سلسله مراتب دارد؛ هر و ده هر شاعری در هر مرحله از مراحل رشد و کمال او دارای خصوصیتی است که در اشعار او را دیگر حیات ادبی او قابل تکرار نیست. به همین دلیل من نویسنده حتی امروز هیچ نر اضی و شرم منند نیستیم که نخستین کتاب چاپ شدیم، دفتر اشعار من بوده که در دست چهل سال پیش (در ۱۳۲۳) با عنوان ترانه فرشتگان منتشر شده است، ما آن که نخستین اثر و نامیده که در خلاصه حسین زرین کوب، مجموعه کوچکی از اشعار او بود که در نوجوانی با تخلص «دزم» در روز جمعه منتشر کرده بود. این است که اگر امروزه کسی بخواند در مراحل و مراتب تکامل فکری و ذهنی و علمی و ادبی دکتر زرین کوب را ببیند، می تواند از آن دفتر اشعار آغاز کند. بنابراین نویسنده به حکم «رطب خورده منع رطب چون کند» می توانم برآمدگان عرضه شعر را از شوخی که به نشر آثار خوش دارند، سرزنش کنم.

دومین توجیه آن که هر اثر مکتوب، گذشته از ارزش ادبی، علمی یا تخصصی آن می نسیه شامل فواید آفاقی و انفسی و عزم عواید تاریخی، روان شناختی و جامعه شناختی خاص خویش است که از این منظر آیندگان راه کار می آید. برای مثال، یک پژوهشگر علوم اجتماعی در سده آینده ممکن است با نگرینستن به یک دفتر شعر در این برهه خاص، از فرهنگ این عصر برداشتهایی بکند که هیچ ربطی به ادبیات نداشته باشد. پس یک دفتر شعر متوسط یا حتی یک دفتر شعر بنام می تواند برای شناخت جو فرهنگی اجتماعی، سیاسی این عصر مفید باشد؛ چرا که پژوهشگران آیندگی می توانند در زمینه های گوناگون همچون حقوق بشر، آزادی بیان، مشارکت زنان، شیوه های گفت و گو، نثر و گفتار، اطراف و اهداف شعر در این برهه زمان و هزار موضوع دیگر، از چاپ شده های این عصر (از جمله بدترین شعر منتشر شده این سال ها) مستفید و بهره مند شوند.

یادداشت ها

۱. شیخ المشایخ امیر معزی، نوادر الامیر، چاپ محمدعلی آل ملو، تهران، نشر طبع ایران، ۱۳۷۱، ص ۲۷۹
۲. افضل المله، خلاصه، سفرنامه خراسان و کرمان، چاپ قدرت القروشی (زعفرانلو)، تهران، توس، بی تا، ص ۷۴
۳. حکمت یغمایی، عبدالکریم، جندقی، نویسنده، کهن بر کوفت کوفت، تهران، توس، ۱۳۵۲، ص ۳۲
۴. یغمایی، حبیب، «حسن و حید دستگردی» بر آوره، شماره ۲۲ (زمستان ۱۳۸۱)، ص ۲۲۸